

جمهوری افغانستان سی و هفت ساله شد خاطره ای از سومین جشن جمهوریت و یادی از یک دوران

درست سی و دو بهار و اندی از کودتای هفت ثور گذشت. برای مردم ما یادآوری خاطرات دوره رژیم های زورگویی چپی و راستی، بدبختی مردم و ویرانی کشور سخت درد آور است و متأثرکننده؛ نسل امروزی بجز از یکی دو مورد محدود آنهم طی یکی دو سال اخیر، دیگر تقریباً هیچ خاطره ای ناشی از خوشی که با احساسات ملی عجین شده باشد بخاطر ندارد. نسل هایی که حالا در پایان سنین چهل، سنین پنجاه و یا بالاتر از آن به سر می برند گاهی با یاد آوری و باز گویی خاطرات خوش قبل از کودتای ثور، روح و روان شانرا شاد می سازند. آنچه در اینجا قابل تذکار است، اینست که آن امکانات نسبتاً خوب زیربنایی و روبنایی را که ما تا قبل از کودتای ثور در اختیار داشتیم، اکنون کاملاً از دست داده ایم، زیرا سلاخی و کشتار بیرحمانه تعداد زیادی از دانشمندان، دگراندیشان، تجدد گرایان و شخصیت های ملی در نخستین ماه ها و سال کودتای ثور ذریعه رژیم خونخوار و عقده مند تره کی - امین، اشغال نظامی کشور توسط روس ها و تشدید سیاست تفتیش اندیشه و عقاید، بمباران وحشیانه دهات، قرأ و نابودی سیستم های آبیاری کشور، از یکسو، و از سوی دیگر سقوط رژیم داکتر نجیب الله در اثر اختلافات و عقده مندی های درون حزبی، ورود مجاهدین فی السبیل الجیق(۱) به شهرهای کشور با ایده چور و چپاول دارایی های ملی و عامه، پدید شدن جنگ های وحشتناک و رعب آور بین التنظيمی جهت تاسیس حکومت به اصطلاح سچة اسلامی و بلاخره هم تاسیس امارت اسلامی و دکانتوری استخوان سوز رژیم طالبان، مرحله بمرحله کشور ما را از داشته های زیربنایی و روبنایی خالی و خالی تر ساخت. در نتیجه آن هوا و فضایی را که ما از بسیاری جهات بخصوص امنیت، وحدت ملی، اقتصاد نسبتاً خود کفا و کدرهای ورزیده و متخصص عرصه های گوناگون که در سالهای قبل از کودتای ثور داشتیم، حالا بدلایلی که در بالا از آنها ذکر رفت، کاملاً از دست داده ایم. خلاصه ابعاد عظیم تأثیرات مخرب کودتای ثور، از آنجمله مداخلات کینه توزانه کشورهای ایران و پاکستان در امور داخلی میهن ما، هنوز شاخ و ریشه میکشد و چنان بنظر میرسد که سال های بعدی و نسلهای بعدی را نیز به قربانی می طلبد؛ و از کجا معلوم که تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور عزیز ما، از اثر زلزله تباہ کن - انقلاب شکوهمند؟؟ و دوران ساز ثور؟؟ جان سالم بدر برد.

در میان انواع مختلف ورزشها و بازی های سپورتي بدون شک بازی فوتبال در میان تعداد کثیری از مردم جهان جایگاه خاصی را داراست. چند روز قبل که نهمین دور مسابقات جام جهانی فوتبال در افریقای جنوبی برگزار و مسابقات مذکور در اکثریت نسبت به تمام کشورهای جهان طور زنده از طریق تلویزیون ها و رادیوها پخش می گردید؛ احساسات و شور حال مردم کشورهایی که تیم های فوتبال شان در مسابقات اشتراک داشتند - و بقیه جهانیان در امر تشویق تیم های فوتبال مورد علاقه شان سخت قابل توصیف و تأمل است. هرگاهی که چنین صحنه ها را در تلویزیون به نظاره می نشینم به یاد خاطره ای از غریب و شادی هزاران هموطنم در غازی استدیوم می افتم که در یکی از شب های سومین سالگرد جشن جمهوریت تیم فوتبال کشور ما یکی از قویترین تیم های فوتبال کشور های منطقه را شکست داد.

سالها بعد از تراژدی سقوط رژیم امانی و سپری شدن دهه های سکوت و یخبندان رشد اجتماعی - اقتصادی کشور، سر انجام در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی مرحوم سردار محمد داوود به حیث صدراعظم افغانستان انتصاب شد. سردار محمد داوود برخلاف اسلاف علاقه شدید و مفرطی به رشد اجتماعی - اقتصادی کشورش داشت. تلاش ها و عرق ریزی های مداوم و بی وقفه سردار مذکور در امر رشد اجتماعی - اقتصادی افغانستان و بکار انداختن ده ها پروژه عمده تولیدی و زیر بنایی و تاسیس هزاران مکتب و شفاخانه حتی در دور دست ترین نقاط کشور بازتاب گسترده ای در امر رشد و غنا مندی ساحات مختلف روبنای کشور ما داشت؛ از آنجمله - بخش های مختلف ورزش و سپورت نیز در میان گروه های مختلف مردم ما بخصوص در میان طبقه شهر نشین ولایات متعدد میهن ما جهش بلندی در امر شگوفایی و باروری داشت. تاسیس صد ها کلب و ورزشگاه سپورت های مختلف النوع در هر کوچه و پس کوچه شهرهای عمده سرزمین ما و ایجاد مسابقات سپورتي میان کلب ها، برپایی تورنمنت های بهاری و خزانگی میان پوهنخی های پوهنتون کابل در رشته های مختلف سپورت، و برپایی مسابقات ورزشی، بخصوص مسابقات فوتبال، والیبال و باسکتبال میان لیسه ها و مکاتب ولایات کشور، و برگزاری جام مسابقات بزرگی در خزان هر سال در شهر کابل، خود عامل دیگری بود که باعث رشد و بالا بردن توانمندی جوانان کشور در شقوق مختلف

ورزشی میگردید. بیاد می آورم که در همان سالها عصر روزهای تابستان گاهی که با استفاده از بایسکل جهت تماشای مسابقات فوتبال به چمن حضوری میرفتم، در می یافتیم که ده ها تیم فوتبال در هر گوشه و کنار چمن مذکور مشغول مسابقه و تمرین می بودند. و بعد هم روزهایی را در جریان دهه شصت هجری بخاطر می آورم که در تمام ساحه چمن مذکور فقط تعداد محدود اطفال و نوجوان پائینتر از سن پانزده مصروف بازی فوتبال میبودند و بس.

در جریان دهه سی شمسی، شهر کابل با اعمار ساختمانهای عصری و جدید چهره بدل کرد. و همزمان تعمیرات و استدیوم ورزشی نیز جهت برپایی جشن و سرور در امر تجلیل از جشن استقلال کشور در یکی از ساحات شهر کابل بنا گردید. و از اواخر دهه سی به بعد مطابق معمول هر سال از اول ماه سنبله برای مدت یک هفته با برپایی کنسرت ها، مسابقات ورزشی و ایجاد نندارتون ها از سالگرد استقلال کشور در محل مذکور تجلیل بعمل میآمد؛ مگر بعد از سال ۱۳۵۰ خورشیدی با در نظر داشت وضع نابسامان اقتصادی کشور در اثر خشکسالی های پی در پی تجویز گرفته شد که تجلیل از جشن استقلال تنها به رسم گذشت عسکری و رسم گذشت شاگردان معارف محدود گردد؛ و پول تخصیص داده شده جهت اجرای بقیه مراسم، بمنظور خرید مواد غذایی برای مناطق متضرر ناشی از خشکسالیها به مصرف برسد.

ولی بعد از کودتای سال ۱۳۵۲ با تطبیق نظم و قانون در نظام کشور و جلوگیری از حیف و میل ها و مصارف بیجا از یکطرف و از طرف دیگر توجه در امر حمایه از تولیدات و صنایع داخلی، بهبود زراعت و بالا رفتن عایدات دولت تصمیم گرفته شد تا از سالگرد تاسیس نظام جمهوریت در ۲۶ سرطان هر سال تجلیل شایسته بعمل آید. آنچه درینجا قابل یاد آوریت، اینست که از بسیاری جهات تفاوت های واضح میان تجلیل از سالگرد جشن استقلال در زمان شاهی و تجلیل از جشن جمهوریت، بنظر میرسد. طوری که در نندارتون ها یا نمایشگاه های عصر جمهوریت بیشتر پیشرفت های صنایع و تولیدات داخلی با ارائه ارقام و پلان های پیش بینی شده بعدی به نمایش گذاشته میشد؛ چنانچه در تجلیل از جشن جمهوریت در سال ۱۳۵۶ خورشیدی در بسیاری از نمایشگاه های مربوط از رقم از دیاد تولیدات داخلی مطابق به پلان هفت ساله و همچنان نمونه ها و مدل های از بند های آبگردان آبیاری چون - خروار، کیله گی، سلما، کمال خان و گمبیری و فابریکات نوب فلزات چون مس عینک و آهن حاجیگگ به نمایش گذاشته شده بود، ایده ای که با فرا رسیدن انقلاب شکوهمند؟؟ و برگشت ناپذیر ثور، هرگز به ثمر نرسید. همزمان با این در جشن های سالگرد تاسیس جمهوریت از هنرمندان و ورزشکاران رشته های مختلف سپورتنی کشور های منطقه نیز دعوت بعمل میآمد تا جهت هنرنمایی و اجرای مسابقات ورزشی در شهر کابل حضور بهم رسانند.

روز های جشن سومین سالگرد تاسیس نظام جمهوریت یعنی سال ۱۳۵۵ خورشیدی بود. در آنزمان که در یکی از دهات جنوب شهر کابل زندگی مینمودم و تازه به سنین جوانی پا گذاشته بودم؛ پروگرام آغاز مسابقات و کنسرت ها را از طریق رادیو دنبال مینمودم - و گاهی هم اتفاق می افتاد که بعضی از کنسرت ها و مسابقات را از نزدیک نیز تماشا کنم. در آن سال بر علاوه اشتراک تیم های فوتبال کشورهای هند، ترکیه، نیپال، بنگله دیش، ایران، اتحاد شوروی و پاکستان؛ هنرمندانی از کشور هندوستان و ایران به اشتراک ستار، گوگوش، نسرین و دلکش که از هنرمندان نخبه و دست اول آنوقت کشور ایران بودند، نیز جهت اجرای کنسرت در سومین سالگرد جشن جمهوریت بکابل آمده بودند.

عصر یکی از روزهای که هنوز تجلیل از جشن تاسیس سومین سالگرد به پایان نرسیده بود جهت تماشای مسابقات فوتبال راهی غازی استدیوم شدم، از رادیو شنیده بودم که مسابقه میان تیم فوتبال کابل (ح) و تیم فوتبال اتحاد شوروی و بعد هم مسابقه میان تیم فوتبال کابل (بی) و تیم فوتبال کشور ایران برگزار خواهد شد. وقتی به محل غازی استدیوم رسیدم و خواستم تکت دخول بخرم، دیدم که تکت فروشی ها بسته است و حاضرین میگفتند که تکت ها همه تمام شده است و در داخل استدیوم جا برای نشستن نیست. و در عین حال تعداد کثیری از مردم و علاقمندان در عقب دروازه های غازی استدیوم اجتماع کرده و منتظر بودند که بعد از ختم مسابقه اول - احياناً در صورت بیرون شدن تعدادی از تماشاچی، برای آنها نیز اجازه ورود داده شود. به هر حال، بازی اول یعنی مسابقه میان تیم های کابل (ح) و تیم فوتبال اتحاد شوروی خاتمه یافت، و از بلند گوها شنیده میشد که نتیجه مسابقه یک مقابل صفر به نفع تیم فوتبال اتحاد شوروی تمام شده است. با پایان یافتن این مسابقه تعدادی از تماشاچیان از استدیوم بیرون شدند. بعداً مسؤولین اجازه دادند تا آنهائیکه منتظر ورود بدخل استدیوم اند، بشمول آنهائیکه نسبت تمام شدن تکت، تکت اخذ نکرده اند، داخل استدیوم شوند. داخل استدیوم شدم و اتفاقاً درست در محلی قرار گرفتم - که مقابل لوژ یا همان جایی که در آنجا از مقامات بلند رتبه دولتی و مهمانان رسمی پذیرایی بعمل میآمد، موقعیت داشت؛ و معلوم میشد که تعدادی در لوژ مذکور نشسته اند. هوا کاملاً تاریک شده بود، و در حالیکه استدیوم مملو از تماشاچی بود، نور افگن های قوی ساحه استدیوم را کاملاً روشن میساخت. درست ساعت ده شب مسابقه میان تیم های فوتبال کابل (بی) و ایران آغاز شد. در نیم اول بازی، تیم فوتبال ایران بدفعات دست به حمله زد تا مگر توپی را وارد دروازه

تیم فوتبال افغانها نماید؛ ولی تیم فوتبال افغانها با مهارت و شطارت تمام، حملات تیم فوتبال ایران را دفع مینمود. و نیمه اول بازی بدون رد و بدل شدن گول صفر مقابل صفر پایان یافت. در نیمه دوم بازی اعضای تیم فوتبال افغانی نیز حملات متقابلی را جهت بثمر رسانیدن گول آغاز نمودند و توانستند بعد از گذشت نیم ساعت از نیمه دوم بازی، توپ را وارد دروازه تیم فوتبال ایران نمایند. با وارد شدن توپ تیم فوتبال افغانها بداخل دروازه تیم فوتبال ایرانیها، یکباره فضای استدیوم مملو از غریو و شادی هزاران تماشاچی شد؛ تماشاچیان همه به پا ایستاد شدند و از فرط شادی سر از پا نمیشناختند؛ و برای مدت تقریباً ده دقیقه کف زدند و خوشحالی نمودند. در اینجا متوجه شدم که شخص پیشرویم به دوست پهلویش میگوید که " ببین نعیم خان هم ایستاد شده" البته که منظور شخص مذکور سردار محمد نعیم بود؛ که از قرار معلوم بازی فوتبال را تماشا میکرد. بازی فوتبال مذکور با نتیجه یک مقابل صفر به تیم فوتبال افغانستان تمام شد. و وقتی رفری با صدای اشپلاق ختم بازی را اعلان کرد. تعداد کثیری از هموطنان با شور و شادی زاید الوصف به میدان فوتبال ریخته و برقص و پایکوبی پرداختند و درحالیکه یکتعداد از هموطنان ما فوتبالیست های افغان را بروی شانها های شان بلند نموده بودند؛ از بلند گوها نغمه و سرود دل انگیز اتن ملی با صدای بلند پخش میگردید، و هزاران هموطن یکجا دست به اجرای رقص و اتن ملی پرداختند. بزرگترین رقص و اتن ملی که شاید همان یکبار در زندگی ام آنرا شاهد بوده ام. و هرگاهی که به تماشای بازی فوتبال میپردازم آن حادثه و خوشی غرور آفرین ملی روی چشمانم زنده میشود.

پایان

یاد داشت:-

۱- مجاهدین فی السبیل الجیق آنهایی را باید نامید که زیر نام جهاد و در سوء استفاده از نام جهاد، دست به دزدی و چپاول مال بیت المال و دارایی های عامه زده و از این راه جیب ها و شکم هایشان را پر کردند. و بدون شک مجاهدین فی السبیل الله به آنهایی باید گفت که صادقانه در راه دفاع از ارزش های اسلام و نجات وطن از زیر یوغ اشغالگران روس جنگیدند؛ و بعد از آزادی وطن دنبال غریبی و پیدا نمودن رزق و روزی حلال رفتند. و هرگز دست به چپاول مال بیت المال، دارایی های عامه زده، و مردم آزاری نکردند.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ